



پژوهش‌های نوین جنگ‌های صلیبی

جلد سوم

## جنگ‌های صلیبی و شرق لاتینی

مؤلف: میشل بالار

(عضو انجمن مطالعات جنگ‌های صلیبی و شرق لاتین SSCLE)

مترجم: دکتر عبدالله ناصری طاهری



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

پاییز ۱۳۹۲

Balar, Michael

بالار، میشل  
جنگ‌های صلیبی و شرق لاتینی / میشل بالار؛ مترجم عبدالله ناصری طاهری. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲.

ج. ۷ - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۲۵۳: تاریخ؛ ۵۱)

ISBN: 978-600-298-003-8 (ج ۳)

بها: ۸۰۰۰۰ ریال

ISBN: 978-600-298-000-7 (دوره)

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.  
بالای عنوان: پژوهش‌های نوین جنگ‌های صلیبی.  
نمایه.

۱. جنگ‌های صلیبی. ۲. شرق لاتینی. الف. ناصری طاهری، عبدالله، ۱۳۳۹- ، مترجم. ب. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ج. عنوان.

۹۰۹ / ۰۷

۱۳۹۲ ج ۹ / ب ۲۴ / D ۱۵۷

۲۹۲۵۰۷۴

شماره کتابشناسی ملی



پژوهش‌های نوین جنگ‌های صلیبی (ج ۳): جنگ‌های صلیبی و شرق لاتینی

مؤلف: میشل بالار

مترجم: دکتر عبدالله ناصری طاهری

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

ویراستار: سعیدرضا علی‌عسکری

صفحه‌آرایی: کاما

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۲

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۳۲۱۱۱۱ - ۰۲۵ (انتشارات: ۳۲۱۱۱۳۰۰) - نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰  
ص. پ. ۳۱۵ - ۳۷۱۸۵ ● تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰ - ۰۲۱ و ۶۶۹۷۸۹۲۰

Website: www.rihu.ac.ir

Email: info@rihu.ac.ir

## سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر به عنوان منبع کمک‌درسی برای دانشجویان رشته‌های تاریخ و تمدن اسلامی، روابط بین‌الملل، تاریخ اسلام و ادیان و عرفان در مقطع کارشناسی ارشد و دکترا تهیه شده است، امید است افزون بر جامعه دانشگاهی دیگر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند گردند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از مترجم محترم، جناب آقای دکتر عبدالله ناصری طاهری و همچنین ارزیابان محترم اثر، جناب آقای دکتر صادق آئینه‌وند و دکتر غلامرضا رضازاده لنگرودی تشکر و قدردانی نماید.

## فهرست مطالب

۱	مقدمه مترجم
۳	مقدمه
۴	جنگ‌های صلیبی؛ چرا؟
۷	چگونگی جنگ‌ها؟
۱۱	فصل اول: شرق و غرب در اواخر قرن یازدهم
۱۱	۱. امپراتوری بیزانس در اواخر قرن یازدهم
۱۲	۲. خاور نزدیک در اواخر قرن یازدهم
۱۴	۳. غرب در اواخر قرن یازدهم
۱۴	۱-۳. رشد اقتصاد و جمعیت
۱۶	۲-۳. جامعه اشرافی، کلیسا و جنگ
۱۸	۲-۳. آموزش و امید به آخرت
۱۹	۴. روابط غرب با شرق
۱۹	۱-۴. زیارت اماکن مقدس
۲۲	۲-۴. تجارت غربیان در شرق قبل از جنگ‌های صلیبی
۲۴	۳-۴. آگاهی غرب نسبت به شرق
۲۷	فصل دوم: دعوت کلرمون و مبانی حمله صلیبی
۲۷	۱. پیشینه‌ها
۲۷	۱-۱. نقش اصلاحات کلیسا
۲۹	۲-۱. آغاز دوره پاپ اوربان دوم
۳۰	۲. فراخوان کلرمون (۲۷ نوامبر ۱۰۹۵ م)
۳۰	۱-۲. سفر پاپ
۳۰	۲-۲. مجمع کلرمون (۲۴ تا ۲۷ نوامبر ۱۰۹۵ م)

۳۲	۳. گسترش دعوت پاپ
۳۲	۱-۳. سفر پاپ در فرانسه
۳۳	۲-۳. دعوت ملی
۳۵	۳-۳. عمل راهبان
۳۵	۴. ایدئولوژی حرکت صلیبی
۳۶	۵. حرکت صلیبی: پیمان صلیبی و امتیازها
۴۱	<b>فصل سوم: جنگ صلیبی اول</b>
۴۱	۱. سربازگیری و جذب نیرو
۴۵	۲. تعداد نیروها
۴۶	۳. تأمین سرمایه جنگ
۴۶	۱-۳. نیازها
۴۸	۲-۳. منابع تأمین هزینه
۵۰	۴. رهبران جنگ صلیبی
۵۱	۱-۴. پطرس زاهد
۵۲	۲-۴. گودفری بویونی
۵۳	۳-۴. بوهموند
۵۵	۴-۴. بالدوین بویونی
۵۶	۵-۴. ریموند سنجیلی
۵۷	۵. راه‌های حمله
۵۹	۶. حمله صلیبی‌ها به قسطنطنیه
۶۳	۷. از قسطنطنیه تا قدس
۶۹	<b>فصل چهارم: دولت‌های صلیبی در سوریه و فلسطین در قرن دوازدهم میلادی</b>
۶۹	۱. امیرنشین رُها
۷۲	۲. امیرنشین انطاکیه
۷۵	۳. امیرنشین طرابلس
۷۷	<b>فصل پنجم: دولت لاتینی بیت‌المقدس در قرن دوازدهم</b>
۷۷	۱. از هجوم تا فاجعه (۱۰۹۹-۱۱۸۷م)
۷۷	۱-۱. گودفری بویونی، مالک آرامگاه مقدس
۷۸	۲-۱. بالدوین اول (۱۱۰۰-۱۱۱۸م)
۷۹	۳-۱. بالدوین دوم (۱۱۱۳-۱۱۱۸م)
۸۰	۴-۱. فولک آنژو (۱۱۳۱-۱۱۴۳م)
۸۰	۵-۱. بالدوین سوم (۱۱۴۳-۱۱۶۳م)

۸۱	۶-۱. آموری اول (۱۱۶۳-۱۱۷۴م)
۸۳	۷-۱. بالدوین چهارم (۱۱۷۴-۱۱۸۵م)
۸۳	۸-۱. از سال ۱۱۸۵ تا ۱۱۸۷م
۸۵	۲. مؤسسه‌های حکومتی در قرن دوازدهم
۸۵	۱-۲. سلطه پادشاهی
۸۶	۲-۲. نظام فئودالی
۸۷	۳-۲. نهادهای سلطنتی
۸۹	تقسیم قضایی سرزمین قدس در قرن دوازدهم
۸۹	۳. کلیسای لاتینی و تشکلهای نظامی
۸۹	۱-۳. کلیسای لاتینی
۹۱	۲-۳. تشکیلات نظامی
۹۱	۳-۲-۱. گروه سواران قدیس یوحنا در قدس (سواران مهمان‌نواز)
۹۳	۳-۲-۲. سواران معبد
۹۵	۳-۲-۳. فرقه تیوتون‌ها
۹۷	۴. دفاع از سرزمین مقدس
۹۸	۱-۴. ساختار ارتش
۱۰۱	۲-۴. استراتژی و تاکتیک
۱۰۴	۳-۴. قلعه‌ها
۱۰۷	۵. ساکنان مملکت (صلیبی‌ها و شرقیان)
۱۰۸	۱-۵. ساکنان و پولان‌ها
۱۱۰	۲-۵. مسیحیان شرقی
۱۱۲	۳-۵. مسلمانان
۱۱۳	۴-۵. دروزی‌ها
۱۱۴	۵-۵. یهودیان
۱۱۷	۶. پایتخت: قدس و عکا
۱۱۷	۱-۶. قدس
۱۲۲	۲-۶. عکا
۱۲۷	<b>فصل ششم: ادامه جنگ‌های صلیبی</b>
۱۲۷	۱. جنگ صلیبی دوم (۱۱۴۵-۱۱۴۸م)
۱۲۷	۱-۱. مبانی جنگ و دعوت مردم
۱۲۹	۲-۱. گردآوری سپاه و آمادگی
۱۳۰	۳-۱. دو پادشاه در رأس حمله صلیبی
۱۳۰	۱-۳-۱. لوئی هفتم

۱۳۱	..... ۲-۳-۱. کنراد سوم
۱۳۲	..... ۴-۱. حمله
۱۳۴	..... ۲. جنگ صلیبی سوم (۱۱۸۸-۱۱۹۲م)
۱۳۴	..... ۱-۲. اصل جنگ و دعوت به آن
۱۳۵	..... ۲-۲. تأمین سپاه و هزینه جنگ
۱۳۷	..... ۳-۲. فرماندهان جنگ صلیبی
۱۳۷	..... ۱-۳-۲. فیلیپ اگوست
۱۳۸	..... ۲-۳-۲. فردریک اول (بارباروسا)
۱۳۹	..... ۳-۳-۲. ریچارد شیردل
۱۴۰	..... ۴-۲. حمله
۱۴۳	..... ۳. جنگ صلیبی چهارم (۱۲۰۲-۱۲۰۴م)
۱۴۴	..... ۱-۳. ویلهاردوئن و رابرت کلاری
۱۴۴	..... ۱-۱-۳. گودفری ویلهاردوئن
۱۴۵	..... ۲-۱-۳. رابرت کلاری
۱۴۵	..... ۲-۳. اصل جنگ و دعوت به آن
۱۴۶	..... ۳-۳. تأمین سپاه و منابع جنگی
۱۴۷	..... ۴-۳. دو فرمانده جنگ صلیبی
۱۴۷	..... ۱-۴-۳. انریکو داندولو
۱۴۸	..... ۲-۴-۳. بونیفاس مونفروایی
۱۴۹	..... ۵-۳. حمله
۱۵۶	..... ۶-۳. تجزیه روم شرقی (Partitio Romanie)
۱۵۷	..... ۴. جنگ کودکان صلیبی (۱۲۱۲م)
۱۵۸	..... ۵. جنگ صلیبی پنجم (۱۲۱۷-۱۲۲۱م)
۱۵۸	..... ۱-۵. اصل حمله و دعوت مردم به شرکت در آن
۱۵۹	..... ۲-۵. تأمین سرباز و دیگر هزینه‌ها
۱۶۰	..... ۳-۵. حمله
۱۶۳	..... ۶. جنگ صلیبی ششم (۱۲۲۸-۱۲۲۹م)
۱۶۷	..... ۷. حملات صلیبی خاندان کاپه
۱۶۷	..... ۱-۷. حمله تیپوی چهارم (تیبالد) کنت شامپانیا (۱۲۳۹-۱۲۴۰م)
۱۶۹	..... ۲-۷. جنگ صلیبی هفتم (۱۲۴۸-۱۲۵۴م)
۱۶۹	..... ۱-۲-۷. اصل جنگ و دعوت مردم به آن
۱۷۱	..... ۲-۲-۷. روایتگر جنگ صلیبی: ژان ژوئویل
۱۷۲	..... ۳-۲-۷. آمادگی
۱۷۳	..... ۴-۲-۷. جنگ



۱۷۵	۵-۲-۷. اقامت در سرزمین مقدس
۱۷۶	۳-۷. جنگ صلیبی هشتم (۱۲۷۰م)
۱۷۶	۱-۳-۷. اصل جنگ
۱۷۷	۲-۳-۷. آمادگی‌ها
۱۷۹	۳-۳-۷. جنگ
۱۸۰	۸. جنگ‌های صلیبی در قرن‌های چهاردهم و پانزدهم
۱۸۵	<b>فصل هفتم: اسلام و جنگ‌های صلیبی</b>
۱۸۶	۱. جنگ‌های صلیبی از دیدگاه مسلمانان
۱۸۷	۲. سوریه و بین‌النهرین در آغاز قرن یازدهم
۱۸۷	۱-۲. سلجوقیان
۱۸۸	۲-۲. امیرنشین‌های سوریه
۱۹۰	۳. زنگی و جهاد
۱۹۰	۱-۳. زنگی
۱۹۱	۴. نورالدین و صلاح‌الدین
۱۹۱	۱-۴. نورالدین (۱۱۴۶-۱۱۷۴م)
۱۹۳	۲-۴. صلاح‌الدین (۱۱۷۱-۱۱۹۳م)
۱۹۵	۵. ایوبیان (۱۱۹۳-۱۲۵۰م)
۱۹۷	۶. ممالیک
۲۰۰	۷. خلاصه
۲۰۳	<b>فصل هشتم: ایتالیا و جنگ‌های صلیبی</b>
۲۰۳	۱. از حج تا اسکان در شرق
۲۰۸	۲. دریا و جنگ‌های صلیبی
۲۱۲	۳. ژنوا و ونیز
۲۱۲	۱-۳. ژنوا
۲۱۴	۲-۳. ونیز
۲۱۶	۴. تجارت جمهوری‌های دریایی در سوریه - فلسطین (در دو قرن دوازدهم و سیزدهم)
۲۱۶	۱-۴. استقرار ایتالیایی‌ها در سوریه - فلسطین
۲۱۹	۲-۴. دستاورد ایتالیایی‌ها و گستره زمانی آن
۲۲۳	۳-۴. مواضع تجاری ایتالیایی‌ها در سوریه - فلسطین
۲۲۵	۴-۴. ماهیت امتیازهای داده‌شده به ایتالیایی‌ها
۲۲۹	۵-۴. تجار ایتالیایی و ساکنان جدید
۲۳۱	۶-۴. تنظیم فعالیت‌های تجاری
۲۳۴	۷-۴. کالاهای تجاری

۲۳۷	فصل نهم: کشورهای لاتینی در قرن سیزدهم
۲۳۷	۱. سوریه شمالی در قرن سیزدهم
۲۳۹	۲. سرزمین عکا
۲۳۹	۱-۲. سرزمین بدون پادشاه
۲۴۱	۲-۲. دخالت مغول‌ها
۲۴۳	۳-۲. جامعه‌ای صلیبی و بدون رهبر
۲۴۳	۱-۳-۲. سلطه شاهی
۲۴۵	۲-۳-۲. مجلس اعلی
۲۴۷	۳-۳-۲. افسران عالی‌رتبه
۲۴۷	۴-۳-۲. اساس اقطاع‌داری
۲۴۹	۵-۳-۲. نجیب‌زادگان و سلطنت
۲۵۳	۴-۲. عاقبت سرزمین
۲۵۴	۳. قبرس
۲۵۵	۴. امپراتوری لاتینی قسطنطنیه
۲۵۷	۵. امیرنشین مورِه
۲۵۷	۱-۵. فتح
۲۵۸	۲-۵. جامعه و اقتصاد
۲۵۹	۳-۵. مورِه آنژیوی و ناواری
۲۵۹	۶. مستعمره‌های ونیز و ژنوا در دریای اژه
۲۶۰	۲-۶. خیوس ژنوایی
۲۶۳	فصل دهم: انحرافات جنگ صلیبی و نقد آن
۲۶۳	۱. جنگ‌های صلیبی شمالی
۲۶۶	۲. جنگ‌های صلیبی سیاسی
۲۶۸	۳. جنگ‌های صلیبی بر ضد بدعت‌گذاران
۲۷۲	۴. نقد حرکت صلیبی
۲۷۶	۵. ایده ارشاد
۲۷۹	۶. جستجوی آثار مقدس
۲۸۳	خلاصه
۲۸۵	نمایه اعلام
۳۰۱	نمایه اماکن

## مقدمه مترجم

کتاب پیش رو — جنگ‌های صلیبی و شرق لاتینی — برگردانی است از ترجمه عربی کتاب یکی از محققان و پژوهشگران تاریخی معاصر فرانسه که به زبان اصلی با نام *Croisades et Orieny Latin* در سال ۲۰۰۱م، در پاریس چاپ و شناخته شده است. این پژوهش نیز در راستای ضرورت آشنایی محققان و دانش پژوهان فارسی‌زبان با پژوهش‌های جدید مسلمانان و غریبان درباره جنگ‌های صلیبی انتخاب و به زبان فارسی برگردان شده است. پژوهشی که به‌رغم الگو و تأثیرپذیری از پژوهندگان نامی جنگ‌های صلیبی، مانند استیون رانسیمان و هانس ابرهارد مایر، سعی داشته با نگاهی جامعه‌شناسانه این پدیده مهم تاریخ اسلام و غرب را دنبال کند و با تأمل بر مردم‌شناسی سرزمین‌های واقع در میدان جنگ و کاوش در جغرافیای انسانی جنگ صلیبی نگاشته‌هایی ارزشمند را بر جای بگذارد.

نویسنده این کتاب به بهره‌گیری از منابع دست اول جنگ‌های صلیبی اهتمام داشته و کوشیده است تا در ده فصل و با تکیه بر آمار و ارقام برگرفته از منابع دست اول، تحقیقی جامع ارائه دهد؛ هرچند مانند عموم مورخان و تاریخ‌پژوهان غربی تحت تأثیر برخی یافته‌های غیر اصیل تاریخی قرار دارد، مانند نگاه به نزاریان اسماعیلی شام که تحت تأثیر ماده حشیش به جنگ و نبرد می‌ایستادند، نگاهی غیر واقعی که عموم غریبان گرفتار آنند. اما در مجموع باید نویسنده این کتاب را یکی از تاریخ‌پژوهان منصف و جامع‌نگر به جنگ صلیبی دانست.

او با این نظر که جنگ‌های صلیبی را به عنوان پاسخگویی و کمک به مسیحیان شرق قلمداد می‌کند، موافق نیست. از سوی دیگر معتقد است جنگ‌های صلیبی دستاورد چندانی برای مغرب‌زمین نداشته‌اند. آثار تجاری جنگ‌ها بسیار محدود بوده و هیچ فرایند فرهنگی، هنری در سرزمین مقدس که نشانه تبادل دو فرهنگ اسلامی و مسیحی باشد، به چشم

نمی‌خورد. در واقع، بیشترین نتیجه جنگ صلیبی برای مسیحیان، خودآگاهی تاریخی نسبت به خود و کلیسا بوده است. نویسنده ۷۴ ساله کتاب، میشل بالار، از متخصصان برجسته تاریخ اروپا در قرون میانه، خصوصاً تاریخ امپراتوری روم و بیزانس است. وی که عضو انجمن مطالعات جنگ‌های صلیبی و شرق لاتین در آمریکا است، بیش از بیست جلد اثر منتشر کرده است. در این ترجمه بخشی از اطلاعات و ضمایم نویسنده که در پایان هر فصل آمده و ارتباط چندانی با تسلسل مطالب تاریخی نداشته، حذف شده است. در پایان لازم است از مدیر محترم گروه تاریخ، معاون و رئیس محترم پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و دیگر همکاران پژوهشگاه قدردانی کنم. امید است این ترجمه نیز افقی دیگر از جنگ‌های صلیبی را فراروی تاریخ‌پژوهان بنمایاند.

عبدالله ناصری طاهری

عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء (س)

و

انجمن مطالعات جنگ‌های صلیبی و شرق لاتین

تهران - بهار ۱۳۹۱

## مقدمه

امروز عبارت «جنگ‌های صلیبی» با بدنامی روبه‌روست. این عبارت معمولاً به معنای عدم سازش و حاکمیت قدرت و تعصب تلقی می‌شود. بنابراین، طبیعی است که مردم دوران ما جنگجویانی را که (در قرن دوازدهم) عازم قدس شدند به عنوان عده‌ای انسان وحشی و خون‌ریز به حساب آورند که دست به غارت و کشتار زدند. مردم امروز، انگیزه‌ها، تلاش‌ها و حتی گرایش‌های صوفی‌گرایانه این ارتش‌ها را به کلی فراموش کرده‌اند.

بنابراین، با وجود چنین پیشینه فکری به کار بردن اصطلاح حمله صلیبی درست به نظر نمی‌رسد، بلکه نیاز به یک تلاش ضروری برای بازآفرینی معنای صحیح این اصطلاح وجود دارد و این تلاش، همان ویژگی منحصر به فرد یک تاریخ‌نویس است.

پس از حمله صلیبی بر ضد بولشویک‌ها که شهرتی منفی دارند، حمله صلیبی برای مبارزه با بیماری ایدز و مبارزه با حمله ملخ‌ها به آفریقا و مبارزه با انتشار پوسیدگی دندان، معنا شد. اکنون، رسانه‌ها کلمه حمله صلیبی را در مورد همه طرح‌های جذاب و شنیدنی به کار می‌برند. اگرچه مربوط به هر گروهی از مردم باشد.

واضح است که هدف ما متفاوت است. ما می‌خواهیم درک درستی از حمله جماعت‌ها و گروه‌های کوچک و بزرگ غربیان به قدس (از قرن یازدهم تا سیزدهم) به دست آوریم. این لشکرکشی‌ها در سال‌های بعد به حمله‌های صلیبی مشهور شدند. وقوع این حمله‌ها بسیار پیش از نامگذاری آنها به نام حمله‌های صلیبی بود. واقعیت این است که مردم هم‌عصر این حمله‌ها قادر به تمییز میان حج (به سوی اماکن مسیحی مقدس) و حمله‌های صلیبی نبودند. شرکت‌کنندگان، به صورت رسمی این جنگ‌ها را جنگ صلیبی اعلام نکردند، مگر پس از زمان پاپ انوریوس سوم که فردی است ایتالیایی که در سال ۱۱۶۰م، به دنیا آمد. نام اصلی او

جیووانی لوتاریو است که در فاصله سال‌های ۱۱۹۸ تا ۱۲۱۶م، به مقام پاپی رسیده بود. قدیمی‌ترین تاریخ نام صلیبی مربوط به سال ۱۱۹۹م، است و برخلاف همه اینها، مردم در طول قرن دوازدهم، کلمات مبهمی برای نامیدن این حملات استفاده کردند از جمله: سفر قدس، سفر به سرزمین مقدس، قافله یا اردوکنشی و یا نام کاملاً ساده «حج» و یا اسم‌ها و تعبیرهایی از این قبیل. در قرن سیزدهم که مهاجران راه خشکی به سوی سرزمین فلسطین را ترک کرده و روی به سوی راه دریایی آوردند، اسم‌هایی از جمله «سفر به آن سوی دریا» مطرح شد.

به تازگی و پس از سال ۱۲۵۰م، نام «حمله صلیبی» برای نامیدن حمله سربازان مسیح به قدس، انتخاب شد. و از روی عادت امروز نیز همین نام به کار برده می‌شود. بنابراین، حمله صلیبی در واقع یک حج مسلح بود که هدف خود را محدود به آزادسازی آرامگاه مقدس کرده بود. این حمله که دستور پاپ آن را به راه انداخته بود، در اصل زیر سلطه کلیسا و نایب پاپ، به عنوان نماینده کلیسا بود. شرکت‌کنندگان در این جنگ‌ها، همدیگر را به واسطه برخی علائم و نشانه‌های خاص مانند صلیب دوخته‌شده بر روی لباس‌هایشان می‌شناختند و در عین حال از یک سلسله مزایا و امتیازهای مادی و معنوی که از طرف کلیسا تضمین می‌شد، بهره‌مند می‌شدند.

### جنگ‌های صلیبی؛ چرا؟

بر طبق این نامگذاری محدود و معین، جنگ‌های صلیبی دارای تعبیر مختلف و متفاوتی هستند. نگرش ماتریالیستی تاریخی، عامل اقتصادی را در این جنگ‌ها غالب می‌داند. این نوع نگارش و نگرش، گاه نیز از جوانان خانواده‌های شریف و نجیب‌زاده سخن به میان می‌آورد که هیچ امیدی برای به دست آوردن اراضی نداشتند، بنابراین، رو به شرق کرده‌اند تا بتوانند اراضی و سرزمین‌های قابل توجهی را به دست آورده، بدین وسیله بر برادران بزرگ‌تر خود برتری و سلطه یابند، این در حالی است که برادران بزرگ‌تر تنها وارثان دارایی سلسله خانوادگی خویش هستند.

بدون نفی تأثیر به میل مالکیت و کسب اراضی در حمله صلیبی — که بوهوموند پسر رابرت گیسکارد، نمونه بارز این موضوع است — باید گفت که دستیابی به زمین‌های خشک و لم‌یزرع بسیار آسان‌تر از اصلاح اراضی است و این همان عملیاتی است که شامل دستیابی به زمین‌های غالباً خشک و لم‌یزرع است که اکنون در غرب اجرا می‌شود.

این نوع نگارش تاریخی، گاه نیز سخن از انگیزه گروه‌های دریایی ایتالیایی که به علت رشد و افزایش سریع نیازمند به منابع جدید و بازار فروش جدید بوده‌اند به میان می‌آورد. مردان ایتالیایی که یک قرن قبل از آغاز جنگ‌های صلیبی روابطی را با بندرهای خاور نزدیک برقرار کرده بودند، از آغاز جنگ و غارت می‌ترسیدند، چرا که این موضوع روابط گذشته تجاری آنها را تهدید می‌کرد.

تلاش این ایتالیایی‌ها نیز پس از جنگ‌های صلیبی کاهش یافت، چرا که به واسطه این جنگ‌ها فرصت تازه‌ای برای فعالیت و از میان بردن بن‌بست‌ها و موانع بیزانس و اسلام به دست آوردند. در ساختار تجاری آنها قسطنطنیه و اسکندریه بیش از عکا و بیروت اهمیت داشت. اشغال فلسطین از سوی صلیبی‌ها نیز در جنبش تجاری نقشی بسیار کم و ناچیز داشته است. بنابراین، بورژوازی (سرمایه‌داری) غالب ایتالیایی، که به صورت بسیار ضعیف در قرن دوازدهم شاهد آن هستیم، عامل محرک جنگ‌های صلیبی محسوب نمی‌شود.

تاریخ‌نگاران دیگری که توجه بسیاری به پدیده‌های مردم‌شناسانه داشته‌اند سعی دارند جنگ‌های صلیبی را که عامل مهمی در رشد و پیشرفت ساکنان آن در قرن یازدهم و دوازدهم بوده به عنوان سوپاپ اطمینان برای غرب تلقی کنند. بنابراین، سفر به شرق، برای شوالیه‌هایی که مالکیت هیچ سرزمینی را در دست نداشته و کشاورزانی که هیچ پایه و پشتوانه‌ای ندارند، امری ضروری به نظر می‌رسد. اما آیا این موضوع واقعاً ضروری بوده است؟! با اینکه ما دستاوردهای خاصی از اروپاییان به دست نیاورده‌ایم، جز اینکه شاخص‌های به‌دست‌آمده حاکی از این است که دموکراسی در نیمه پایانی قرن دوازدهم یعنی چند دهه پس از جنگ‌های صلیبی گسترش یافت.

از طرف دیگر افزایش شمار افراد نیز به عنوان عاملی از عوامل جنگ‌های صلیبی محسوب می‌شد، با اینکه تأثیری غیر مستقیم داشت.

جای دارد که برای این علت مستقیم، حالت ذهنی و روان‌شناختی غرب را طی اواخر قرن یازدهم بررسی کنیم. واقعیت این است که جنگ‌های صلیبی از یک جریان دوگانه نشأت گرفته بودند: میراث حج و ایده جدیدی به نام جنگ در راه خدا. حج یکی از شعائر دینی و وسیله‌ای برای بخشیده شدن گناهان و در واقع نهایت یک سیر دینی به حساب می‌آید. این حج چنان که از یک زمینه خودسازی و زاهدانه برخوردار باشد به عنوان تجربه‌ای محسوب می‌شود که به بخشش گناهان حج‌گزار منجر می‌گردد. مقصد این حج قدس است؛ زیرا سختی‌هایی که

شرکت‌کنندگان در این حج تحمل می‌کردند، منجر به سهیم شدن آنها در سختی‌های حضرت مسیح می‌شد، تا بدین وسیله شایسته سرزمین آسمانی بیت‌المقدس (اورشلیم) شوند و تحت تأثیر عهد قدیم یک حرکت ملی برای راه نجات، شروع به شکل گرفتن کرد. از طرف دیگر تحت تأثیر Reconquista یا بازپس‌گیری مسیحیان اسپانیا بر ضد مسلمانان در عصر میانی (انحطاط) بوده، لذا مفهوم جنگ در راه خدا، نبرد برای بازپس‌گیری آرامگاه مقدس را محدود می‌کرد. چنان‌که اگر فرد در این راه کشته می‌شد، مرگ وی با عزت و افتخار شهادت همراه بود. بر طبق طرح اخراج کافران از سرزمین مقدس چنین به نظر می‌رسد که اموال به‌دست‌آمده تنها به مردم مسیحی اختصاص می‌یافت.

در فراخوان مسیحیان برای حمایت مسیحیان شرق نیز که گفته می‌شود حرکتی برای ظلم و چپاول بوده، پاپ اوربان دوم توانست همبستگی و ارتباط ثمربخشی میان حج تکفیری و جنگ عادلانه ضد کافران برقرار کند. در حالی که جنگ صلیبی با توجه به تعریف یادشده، تحت تأثیر مسئله اصلاح ساختاری کلیسا در قرن یازدهم بوده است. اخیراً جنگ‌های صلیبی از تغییرات کند در تعادل میان شرق و غرب نیز بهره گرفته است.

تا قرن یازدهم، شرق در جریان رودررویی با غرب به عنوان یک مجموعه کشور با همبستگی سرزمینی قوی و تمدن غنی، اقتصادی پیشرفته و میراثی عالی و قابل توجه محسوب می‌شد. در حالی که همه چیز تغییر کرد. بازسازی در غرب کارگر افتاد. از جمله اصلاحات بزرگ در مورد سرزمین‌ها و رشد شهری، شروع فعالیت‌های تجاری و همبستگی با کلیسای اصلاح‌شده در مقابل، امپراتوری بیزانس به علت اختلاف‌ها و برخوردهای میان اشراف و بزرگان ارتش، رو به ضعف می‌رفت. تعویض قدرت در امپراتوری ادامه داشت و به دنبال حملات ترکان، گسترش و توسعه سرزمین محدود شد.

در عالم اسلامی نیز خلافت با فروپاشی روبه‌رو شد. سلجوقیان در سال ۱۰۵۵م، بر بغداد سلطه یافتند و بخش عظیمی از آسیای صغیر، سوریه و فلسطین را فتح کردند. اما به‌زودی به امارت‌های مختلفی که در میانشان دشمنی حاکم بود، تقسیم شدند. ناتوانی این حکومت‌های کوچک سبب شد پیشروی صلیبی‌ها و تلاش بیزانس برای بازپس‌گیری سرزمین‌ها، آسان‌تر انجام گیرد. بسیار نادر است که بتوان نمونه‌ای از آزار و اذیت کلیساهای مسیحی در فلسطین یا آزار حاجیان قدس به عنوان علت حمله ترکان به دست آورد. بنابراین، مسئله تلقی جنگ‌های صلیبی به عنوان پاسخگویی و کمک به مسیحیان شرق یک مسئله کاملاً نادرست است.



از نظر اقتصادی نیز، از اسلامی بودن و اسلامی ماندن دریای مدیترانه در قرن یازدهم جلوگیری می‌شد؛ زیرا شهرهای ایتالیایی، ونیز، باری و آملفی روابط تجاری خود را سال‌ها قبل از ۱۰۹۵م، آغاز کرده بودند. در حالی که پیزا و ژنوا دریای تیرانی را از سلطه اسلامی رها کرده و بدین وسیله زمینه شکوفایی خود را فراهم کردند. بنابراین، پویایی غرب در قرن یازدهم با توجه به ضعف و گسستگی مشرق‌زمین به خوبی می‌تواند موفقیت دوره اول جنگ‌های صلیبی را بیان کند.

### چگونگی جنگ‌ها؟

در طی چهار قرن متوالی از سال ۱۰۹۵م، تا اواخر قرون میانی ایدئولوژی‌ها و جریان‌های به‌وقوع پیوسته تأثیر بسیاری بر جنگ‌های صلیبی گذاشت. عامل مشترک جنگ‌هایی که هدف آنها قدس بود (میان سال‌ها ۱۰۹۶-۱۰۹۹م) و گروه‌های بسیاری که نیروی مذهبی از یک‌سو و راهکارهای پاپ برای رویارویی با پیشروی عثمانی در قرن چهاردهم و پانزدهم از سوی دیگر آنها را تحریک می‌کرد، چیست؟ در این شرایط، این مسئله که نماینده پاپ کشتی‌هایی را که با سختی روانه راه می‌شدند، همراهی کند، برای نامیده شدن این طرح به جنگ‌های صلیبی کافی به نظر می‌رسد.

با وجود چنین شرایطی لازم است که قدم‌به‌قدم، تحول و تغییر فکر و ایده جنگ‌های صلیبی و حوادث به‌وقوع پیوسته را بررسی کنیم. در سال ۱۰۹۵م، شاهدیم که پاسخگویی غرب به دعوت پاپ در اجتماع کلرمون پا را از بلندپروازی‌های پاپ نیز فراتر گذاشته است. اوربان دوم در مورد اعزام نیرو برای کمک به مسیحیان شرق و آزادسازی آرامگاه مقدس از دست کافران[!] تجدید نظر کرد. جماعتی که مشغول پیشروی برای اجابت این دعوت ملی بودند و بزرگانی که شروع به حرکت به سوی قدس کردند، معمولاً به بازگشت فکر نمی‌کردند، این حرکت‌های غیر سازمان‌یافته قبل از سپاه بارون‌ها که دارای ساختاری منظم بود، شروع به کار کردند. پنجاه سال پس از این موضوع پاپ و سخنگوی وی (سن‌برنارد) پادشاهان و فرمانروایان غرب را مخاطب قرار دادند و آنها را به گرفتن انتقام مسیحیان به دنبال از دست دادن رُها فراخواندند و تمام تلاش خود را برای کارشکنی در مهاجرت غیر نظامیان در جهت تشکیل ارتش فتودالی به فرماندهی رهبران سلطنتی به کار گرفت. این موضوع زمانی اتفاق می‌افتد که میان سال‌های ۱۱۸۹ و ۱۱۹۰م، جنگ‌های صلیبی آلمانی، انگلیسی و فرانسوی دو

سال پس از مصیبت وارد شده بر صلیبی‌ها در نبرد حطین (۱۱۸۷م) شروع شد. سپس طرح اولیه این جنگ‌ها، از هدف اصلی خود منحرف شد: گروهی در سال ۱۲۰۳ و ۱۲۰۴م، به سوی قسطنطنیه و این موضوع منجر به تقسیم شدن گروه‌های مسیحی شد. گروهی نیز در سال ۱۲۱۹ و ۱۲۲۱م و سپس در سال‌های (۱۲۴۹ و ۱۲۵۰م) با تلاش ویژه پادشاه فرانسه لوئی نهم به سوی مصر، که واقعاً کلید فلسطین بود، رهسپار شدند و اما حمله به تونس در سال ۱۲۷۰م، با شکست روبه‌رو شد. این موضوع نشانه پایان جنگ‌های بزرگ و اصلی بود. پس از خروج دولت‌های صلیبی از سرزمین مقدس (۱۲۹۱م) جنگ‌های صلیبی در قرن‌های چهاردهم و پانزدهم، در اصل عکس‌العملی برای دفاع غرب در مقابل گسترش ترکان در جانب غربی بوده است. سلطنت‌های بزرگ با وجود توجه به پویایی ایده جنگ‌های صلیبی، تلاش‌های غیر مدبرانه‌ای را به کار بسته و موارد جمع‌آوری شده گذشته را برای اجرای اهداف خود در سرزمین مقدس به کار گرفتند. واضح است که در این میان فکر بازپس گرفتن قدس فراموش شد و جز حمایت اروپا چیز دیگری در این زمینه باقی نماند. برای رسیدن به این هدف پاپ در تلاش بود تا نیروی کمک‌رسانی را به دست آورد. و نیز سواران مهمان‌نواز جزیره رودس و برخی فرماندهان که فریب سراب شرق را خوردند، چندین کشتی برای اجرای طرحی که همچنان جنگ صلیبی نامیده می‌شد مهیا نمودند.

بر طبق این معنای کاملاً فراگیر ممکن است که مخاطب با نظریه عزیز سوریال عطیه هم عقیده بوده و چنین معتقد باشد که حملات صلیبی در لپانتو (۱۵۷۱م) — زمانی که ناوگان‌های ونیز و اسپانیا در نبرد سختی بر نیروی دریایی عثمانی پیروز شدند و در طی آن ۱۳۰ کشتی را به غنیمت گرفته، ۹۴ کشتی را آتش زده و غرق کردند، ۳۰۰ توپ جنگی را تصرف کرده و ۳۰ هزار نفر را به اسارت گرفتند — پایان پذیرفت ولی با توجه به عدم نظر واحد، بیشتر تاریخ‌نویسان جنگ‌های صلیبی با نظریات عزیز سوریال عطیه موافق نیستند. درحقیقت در میان تاریخ‌نویسان سنتی مانند هانس ابرهارد مایر که همه حملاتی را که به قصد آزادسازی قدس انجام گرفت، حمله‌های صلیبی می‌دانند و تاریخ‌نویسان همه‌جانبه‌گرا مانند جانانتان رایلی اسمیت که همه طرح‌هایی را که پاپ برای حمایت از کلیسا یا مسیحیان به راه انداخت، جنگ صلیبی می‌دانند، اختلاف نظر وجود دارد. براساس این اطلاعات، جنگ‌های صلیبی همزمان با همبستگی ایجاد شده علیه ترک‌هایی که وین را محاصره کرده بودند، به پایان رسید. همچنان که افراد دیگری مانند آلفونسو دبرون حرکات صلیبی را وسیله‌ای برای کشف و

بررسی پایه‌های روان‌شناختی غرب می‌داند که همواره برای جوامع مسیحی مبهم و نامعلوم بوده است.

در صفحه‌های بعد، خواننده اطلاعات کاملی از اتفاقاتی که در میان سال‌های (۱۰۹۵ و ۱۶۸۳م) به وقوع پیوسته و به عنوان جنگ‌های صلیبی نامیده شده، به دست نمی‌آورد؛ زیرا ابعاد مختلف این موضوع که مسئله را به صورت مجموعه‌ای از عناصر مختلف و گوناگون ارائه می‌دهد، امکان ارائه چنین اطلاعات مفصلی را نمی‌دهد. اما خواننده می‌تواند دولت‌های صلیبی برآمده از جنگ‌های صلیبی و همچنین عکس‌العمل مسلمانان و انحراف جنگ‌های صلیبی از اهداف اولیه را بررسی کند. باید تلاش کنیم از ریزه‌کاری موضوعات به دست‌آمده نتایجی کسب کنیم که با مردم، افکار آنها و اتفاق‌های مربوط به برخورد شرق و غرب، بیشترین رابطه را داشته باشند.



## فصل اول

### شرق و غرب در اواخر قرن یازدهم

اگرچه جنگ‌های صلیبی اساساً در حاشیه زندگی شرقیان قرار دارد، اما باید توجه داشت که اگر این جنگ‌ها را بدون سبک و سیاق شرقی مؤثر در آن و تأثیر متقابل جامعه شرق و غرب در نظر بگیریم، درک دقیق آن فراهم نمی‌شود. در حالی که ریشه‌های جنگ‌های صلیبی به عنوان یک پدیده غربی، در نوع تفکر و نوع تعامل غرب در قرن یازدهم به چشم می‌خورد، این جنگ‌ها با تفکرات متنوع شرقی و غیر قابل تشخیص روبه‌رو است.

#### ۱. امپراتوری بیزانس در اواخر قرن یازدهم

امپراتوری بیزانس در اوج کشورگشایی و قوت نیروی نظامی در یک چهارم نخست قرن یازدهم، در نیمه پایانی این قرن با تغییرات عمیقی روبه‌رو شد این تغییرات امپراتور بیزانس را مجبور کرد که مرزهای خود را به سرزمین یونان محدود کند. این تغییر و تحولات ناشی از تهدید ملت‌های مجاور، یا نیروهای جدید بالکان و آناتولی بود. شاهد هستیم که در ایتالیا، نورماندی‌ها که شروع به متحد شدن تحت سلطه خاندان اوتویل (رابرت گیسکارد) کرده بودند در سال ۱۰۷۱م، بر باری تسلط یافتند و سلطه بیزانس را پایان دادند. ده سال بعد نورمن‌ها دریا را درنوردیدند تا بر دوراتسو که بر راه قسطنطنیه مشرف بود، حمله کنند. بیزانس مجبور به کمک گرفتن از ناوگان ونیز شد تا بتواند بدین وسیله جلو حمله‌های امپراتوری نورماندی را گرفته، امتیازهای اقتصادی قابل توجهی به هم‌پیمانان بیزانسی اعطا کند.

اما در بالکان پجنگ‌ها که از اصل ترکی بودند در سال ۱۰۴۸م، از رودخانه دانوب عبور کردند و در سرزمین بیزانس که تراکیه و قسطنطنیه را تهدید می‌کرد مستقر شدند. به دنبال آنها نیز،

اوزها در سال ۱۰۶۴م، با غارت و چپاول به یونان رسیدند و به‌رغم واکنش قوی از سوی بیزانس، مرزهای شمالی بیزانس از سوی ائتلاف ملت‌های مهاجر همچنان در معرض تهدید بود. در داخل شبه‌جزیره ملل تحت فرمان قیام کرده و دست به شورش زدند (بلغارها سال ۱۰۷۲م، به فرماندهی کنستانتین بودان)، سپس والاک بر ضد فشار مالیاتی بیزانس قیام کرد. این در حالی است که امیر زوتی و پادشاه کروات بر استقلال از بیزانس پافشاری کرده و تاج پادشاهی خود را از روم دریافت کردند. همه این اوضاع و شرایط گویای آن است که امپراتوری بیزانس پس از رسیدن به گسترش و پیشرفتی مافوق امکاناتش اکنون در حال فروپاشی است. در این حال تلاش برای بازپس‌گیری زمام امور که خاندان کومنوس نیز در جهت آن اقدام کرد (۱۰۸۱م)، نیاز به کمک غرب داشت.

شرایط در آناتولی خطرناک‌تر و حساس‌تر است. آرامنه، ایبری‌ها، گرجی‌ها و ساکنان مسیحی سوریه که وابسته به کلیساهایی بودند که بیزانس آنها را بدعتگذار می‌دانست، همه علیه جدایی و همکاری با دشمنان خارجی، تا وقتی که در مرزهای امپراتوری حضور داشتند، سر به شورش برداشتند. همکاری آنها بیانگر پیشروی ترکان غز یا پیشروی سریع ترکمن‌ها بود. در حالی که با تسلط آنها بر بغداد (۱۰۵۵م) و ده سال پس از آن بر ارمنی‌ها، سلاجقه در کاپادوکیه و فریجیه، میان سال‌های ۱۰۶۷-۱۰۶۸م، ظاهر شدند و واکنش بیزانس با شکست منازگرد (۱۰۷۱م) و به اسارت گرفتن امپراتور دیوژانوس رومانوس چهارم پایان یافت. سپس در سال ۱۰۸۱م، نبرد آسیای صغیر و غلبه بر تمثال‌های قدیمی بیزانس به پایان رسید. پیشروی ترک‌ها به سوی فلسطین و قدس که در ۱۰۷۱م، به‌طور کامل تصرف شد، تنها یکی از بهانه‌های واکنش غرب بود که به شکل حمله صلیبی درآمد و طی آن الکسیوس کومنوس اول سعی در بازپس‌گیری سرزمین‌هایی داشت که امپراتوری آنها را از دست داده بود.

## ۲. خاور نزدیک در اواخر قرن یازدهم

پیروزی سلطان آلب ارسلان در منازگرد (۱۰۷۱م) مقدمه ایجاد امپراتوری گسترده سلجوقی بود که بلندی‌های آناتولی تا بین‌النهرین، سوریه و فلسطین را فراگرفته بود. اما این ساختار نیز به‌زودی، یعنی صبح روز مرگ سلطان‌ملک‌شاه (۱۰۹۲م) متلاشی شد و امارت‌های کوچک شبه‌مستقلی را به وجود آورد که عبارت‌اند از: امارت دانشمندیه در شمال آناتولی و امارت بنوارتق در ساحل شمالی دجله و دو امارت در دمشق و حلب که در دست دو پسر دوقلوی

ملک‌شاه بود و امارت شهرهای ساحلی در جنوب فلسطین که تحت نفوذ فاطمیان مصر بود، که تازه روی قدس دست گذاشته بودند (۱۰۹۸م). در میان سرزمین عربی بین‌النهرین و آسیای صغیر شماری از ارامنه مستقر شدند. همچنین فرمانبرداران سابق بیزانس در بین رُها و ملطبه ساکن شدند و در کلیکه امارت‌هایی شبه‌مستقل ایجاد کردند. منطقه سوری - مصری نیز به‌طور کامل تقسیم شد، فاطمیان مصر که از شیعیان [اسماعیلی] بودند، خلافت را وسیله‌ای برای رقابت با خلفای سُنی بغداد می‌دانستند. ظلم و ستم به اهل کتاب که خلیفه فاطمی «الحاکم بأمر الله» در پیش گرفته بود خیلی زود بازتاب گسترده‌ای میان حجاج مسیحی به وجود آورد، اما به‌سرعت سفرهای زیارتی جدیدی در پیش گرفته شد، زیرا آزار و اذیتی که این افراد از سوی ترکان آسیای صغیر متحمل می‌شدند بیش از آزار و اذیت فاطمیان در جنوب فلسطین بود.

تا سال ۱۰۷۵م فلسطین شاهد نبردهای بسیاری میان سپاهیان بغداد و سپاه فاطمیان مصر بود. بنابراین، زمانی که صلیبیان وارد فلسطین شدند (۱۰۹۸م) با سرزمینی روبه‌رو گشتند که بیش از دو قرن گرفتار جنگ و غارت و محاصره بوده است. این سرزمین میان رقبا به بخش‌های مختلف تقسیم شده بود، به‌طوری که آل‌مرداس شیعه در حلب و نزاریان اسماعیلی در سوریه جنوبی، اهل سنت در دمشق و دروزی‌ها در جنوب لبنان مستقر بودند. تقسیم طوایف مسیحی نیز یک مسئله مهم دیگر است. چنانچه مسیحیان آسیای صغیر که فرمانبرداران بیزانس بودند، با حمله ترکان دست‌وپنجه نرم می‌کردند.

در حالی که رهبران کلیسا، کلیسا را که تحت پیگرد فاتحان بود ترک کرده بودند، اما در سرزمین سوریه - فلسطین عده‌ای از پیروان مذهب ملکانی که به‌طور کامل به فرهنگ عربی گرویده بودند و در اصل پیروان سراسقف انطاکیه یا سراسقف قدس بودند، نه قسطنطنیه باقی مانده بودند. اما اکثر طوایف مسیحی، مربوط به کلیساهای مختلفی بودند که از بسیار قبل‌تر از روم و بر ضد امپراتوری قسطنطنیه بوده و طرفدار حکومت مرکزی بودند. در میان این طوایف شاهد موازنه میان لبنان و نسطوریان عراق و آسیای میانه و به‌ویژه سه کلیسای هستیم که معتقد به وحدت وجود مسیح هستند. این سه کلیسا عبارت‌اند از کلیسای ارامنه، کلیسای یعقوبیان، که پیرو آیین‌های سریانی بودند و قبطی‌های مصر که تا حد زیادی به فرهنگ عربی گرویده بودند. در شام این طوایف با حمایت اسلامی هماهنگی پیدا کردند، در حالی که در آسیای صغیر با گذشتن دوره‌های اولیه فتح ترکان، این طوایف به حیات طبیعی خود می‌پردازند، بلکه

از نابودی کلیسای رومی (یونانی) نیز بهره می‌گیرند. بنابراین، کاملاً اشتباه است که ترکان را نابودکننده این طوایف بدانیم، یا اینکه جنگ‌های صلیبی را واکنشی برای نجات این طوایف از ظلم و ستم ترکان به شمار آوریم. به هر حال خواهیم دید که مسیحیان شرقی به دلیل حمله ترکان هیچ درخواستی از غرب نداشته‌اند.

### ۳. غرب در اواخر قرن یازدهم

نخست به نظر می‌رسد که باید اصول و پایه‌های جنگ‌های صلیبی را در جامعه غربی کشف کنیم. البته پرده از تفسیرهای خیالی و ساختگی در مورد انگیزه صلیبیان نیز برمی‌داریم.

#### ۳-۱. رشد اقتصاد و جمعیت

در قرن یازدهم توسعه اقتصادی و رشد جمعیت که از قرن قبل شروع شده بود ظاهر شد. اصلاحات اراضی نیز بر طبق سرزمین‌های غیر زراعی و جنگ‌ها برای پاسخگویی به نیازهای رو به افزایش ساکنان به اوج خود رسید. به دنبال رشد شهرنشینی ناشی از پیشرفت فعالیت‌های حرفه‌ای و تجاری، دو قطب اقتصادی بزرگ غرب مشخص شد. تاجران این دو قطب اقتصادی اقدام به زیارت اماکن دوردست (برخی در سرزمین‌های بالتیک و برخی در خاورمیانه) می‌کردند که به روابط تجاری پایدار و سودمند می‌انجامید.

با توجه به عدم آمارهای دقیق شاخص‌های مختلفی بیانگر رشد جمعیت در کشورهای مختلف غربی هستند که اندک‌اندک از دست بیماری‌های واگیرداری که مانع رشد و پیشرفت می‌شدند رهایی یافتند. آیا در این موضوعات، دلایل کافی و وافی برای توجیه حملات صلیبی، به عنوان یک پدیده متأثر از عوامل اقتصادی یا دموکراسی، وجود دارد؟ یا این دلایل برای کسانی که این جنگ‌ها را به وجود آورده‌اند منافع مادی می‌دانند، کافی است؟ بدین ترتیب که برخی جوانان، خانواده‌های اشراف که هیچ امیدی در باب دستیابی به زمین در کشور خود نداشته‌اند، روانه شرق شدند تا بتوانند سرزمین‌ها و مناطق گسترده فراوانی را به دست آورده و بدین وسیله با برادران بزرگ‌تر خود که وارثان املاک سرسلسله خود هستند به رقابت پردازند. این در حالی است که اشاراتی از سوی تاریخ‌نگار گودفری مالاتیرا در مورد موضع‌گیری بوهوموند و اشاره دیگری در مورد بالدوین بولونی که هیچ سهمی از ارث خانوادگی نداشت، می‌یابیم که برای اثبات برنامه‌ریزی فتح در طی سفرهای سال ۱۰۹۶م، کافی نیستند.



صلیبی‌ها از زمان رسیدنشان به قسطنطنیه در مورد فرمانبرداری از امپراتوری تجدید نظر کردند، در حالی که هرگز در فکر گسترش اراضی نبوده‌اند. سپس اکثریت آنها بعد از تسلط بر قدس بدون اینکه به استقرار در سرزمین‌های فتح‌شده بیندیشند به سرعت سوی غرب بازگشتند. جاناتان رایلی اسمیت اثبات می‌کند تنها ۱۷/۵ درصد از شهروندان مستقر در سرزمین مقدس در سال ۱۱۳۱م — که اکثریت آنها شناخته شده‌اند — در سال ۱۰۹۶م، اقدام به حمل صلیب کرده بودند. البته تمایل کسب اموال از سوی برخی رهبران صلیبی را نفی نمی‌کنیم؛ زیرا دستیابی به سرزمین‌های خشک و لم‌یزرع بسیار آسان‌تر از اصلاح اراضی است و این همان عملیاتی است که اکنون در غرب اجرا می‌شود و شامل دستیابی به سرزمین‌هایی است که غالباً خشک و لم‌یزرع هستند. از سوی دیگر، تفسیرهای اقتصادی بیانگر این هستند که انگیزه اصلی اقتصادی مربوط به گروه‌های دریایی ایتالیایی است؛ زیرا رشد سریع این گروه‌ها به منابع و بازارهای فروش جدید نیاز داشت، اما واقعیت این است که تاجران ایتالیایی که یک قرن قبل از جنگ‌های صلیبی روابط اقتصادی با بندرهای خاور نزدیک برقرار کرده بودند، از راه انداختن جنگ و غارت به شدت هراس داشتند؛ زیرا این‌گونه مسائل به فروپاشی روابط تجاری گذشته آنها منجر می‌شد. البته ژنوا و پیزا ناوگان‌هایی را طی جنگ‌های صلیبی اول به شرق گسیل کردند، اما این عمل تنها برای اجابت دعوت پاپ بوده و دارای جنبه شخصی مربوط به این دو نیست و نیز آخرین شرکت‌کننده این جریان محسوب می‌شود و کشتی‌ها یک سال بعد از تسلط بر قدس به یافا رسیده‌اند. با وجود این، باید توجه کرد که تلاش گروه‌های دریایی اولیه به دنبال مشاهده فرصت گسترش فعالیت‌های خویش و از میان برداشتن موانع بیزانسی و اسلامی، در جهت تلاش برای خرید دستاوردهای شرق از منبع اصلی آن کاهش یافت. اما قسطنطنیه و اسکندریه در ساختار تجاری این ایتالیایی‌ها بیش از عکا و بیروت اهمیت داشتند. بنابراین، اشغال فلسطین از سوی صلیبی‌ها تأثیر بسیار کمی در گسترش فعالیت‌های تجاری داشته است و سرمایه‌داری پیشرو ایتالیا که در قرن دوازدهم یک جریان بسیار ضعیف بود، عامل محرک این جنگ‌ها محسوب نمی‌شود. در صورتی که تاریخ‌نگاران دیگر تأکید بسیاری بر پدیده جمعیت‌شناسی دارند و جنگ‌های صلیبی را سوپاپ اطمینان غرب تلقی می‌کنند که عامل مهمی در رشد و پیشرفت ساکنان آن در قرن یازدهم و دوازدهم بوده است. بنابراین، سفر به شرق برای شوالیه‌هایی که مالکیت هیچ سرزمینی را در دست ندارند و کشاورزانی که هیچ پایه و پشتوانه‌ای ندارند امری ضروری به نظر می‌رسد. اما آیا این موضوع توجیه‌کننده جنبه

اقتصادی است؟ با توجه به اینکه ما دستاوردهای خاصی از اروپاییان به دست نیاورده‌ایم، جز اینکه شاخص‌های به دست آمده حاکی از این است که جمعیت در نیمه دوم قرن دوازدهم گسترش یافته است (یعنی چند دهه پس از جنگ‌های صلیبی). از سوی دیگر، تحقیقات بیانگر این است که سفر به قصد جنگ صلیبی، سختی‌های بسیاری بر خانواده داوطلبان جنگ تحمیل کرد و آنها را واداشت تا زمین‌هایی را برای تأمین سازمان‌های وابسته به کلیسا، به گرو گذارند که در هنگام بازگشت نیز با شرایط خوبی روبه‌رو نبودند. تعداد بسیار کمی از این صلیبی‌ها هنگام بازگشت به غرب به سرمایه و اشیاء گران‌قیمت دست یافته بودند و معمولاً پرداخت دیون برای بازپس گرفتن زمین‌ها برای آنها بسیار سخت بود. بنابراین، نمی‌توان رابطه بسیاری میان افزایش جمعیت که در قرن یازدهم ظهور چندانی نداشته و حمله به قدس به دست آورد. البته افزایش جمعیت نیز به عنوان عاملی از عوامل جنگ‌های صلیبی محسوب می‌شد، هرچند تأثیر آن غیر مستقیم بود.

### ۳-۲. جامعه اشرافی، کلیسا و جنگ

قرن یازدهم شاهد پیروزی نظام فئودالی‌ای بود که حاکمیت را به جنگجویان و پیشتازان قتل و غارت می‌بخشید. روابط میان انسان‌ها سازنده اساسی رده‌های بالای اجتماعی است تا جایی که مشارکت خانوادگی نقش اصلی را ایفا می‌کند. توزیع این نظام‌های فئودالی در دو جهت تقسیم زمین برای امرار معاش افراد تابع و امور فراگیر برای افزایش کسب سرمایه و تسلط فئودال‌ها بر کشاورزانی که مجبور به پرداخت هزینه‌های بالا بودند جریان داشت. همچنین باید توجه کرد که قصر به عنوان قلب نظام فئودالی مرکز سلطه فراگیر شده و در جهت خصوصی شدن پیش می‌رفت. اما درگیری میان سردمداران و حقوق مربوط به مشارکت‌های خانوادگی منجر به اختلافات پی‌درپی میان نظامیان شد. از همین زمان بود که ستایش جنگاوری و تقدیس حرفه جنگجویی و تأسیس مؤسسه‌های جنگ و صلح تحت تشویق کلیسا توانست تا حد قابل توجهی در ظهور آثار منفی نظامی کردن جامعه اشرافی سهمیم باشد. درحقیقت کلیسا با وجود نیازمند بودن به قدرتی برای خاموش کردن شعله‌های خشونت، در جهت جلوگیری آن اقدام می‌کند و طی مراسم زره‌پوشی و تبریک سعی داشت که جنگجویانی را که در خدمت حمایت کلیساهای محلی بودند مورد ستایش و تمجید قرار دهد. البته کلیسا بر وظیفه خود مبنی بر برپایی صلح و پایان دادن به جنگ و واگذاشتن نتایج به خود

جنگجویان واقف بود. حمایت از بزرگ‌مردان دین و املاک کلیسا و غیر جنگجویان در میان برنامه‌ها و طرح‌های مربوط به مؤسسات کلیسایی در جهت برپایی صلح و آرامش الهی ذکر شده است. با وجود موفقیت محدود، غرب از پاپ می‌خواهد تا در جهت اصلاح اوضاع و حمایت صلح حتی در میان مسیحیان شرقی اقدام کند. از سوی دیگر و برای تلاش برای آزادی از سلطهٔ امپراتوری، رئیس کاهنان و علمای یهود از کمک جنگجویانی که به تبعیت کلیسا درآمده یا از سوی پاپ گماشته شده‌اند، مانند جیره‌خوارن نظامی برخوردارند. در صورتی که جنگجویان پطرس مقدس در سیوتیات به جنگ علیه نورمن‌ها مشغول بوده‌اند، یعنی قبل از اینکه پاپ موفق به هم‌پیمانی با دیگران بر ضد امپراتور آلمان شود. افرادی که براساس نذر و عهد و پیمان در خدمت پطرس بوده‌اند و روابط خانوادگی آنها را به هم پیوند داده بود، پشتیبان و حامی اصلاح و مقابله با سیاست امپراتوری محسوب می‌شدند. و چون پاپ شاهد بود که آنها مدافعان میراث پطرس مقدس هستند، به همین دلیل تن به شرکت در نبردها و جنگ‌ها می‌دهند و به کار آنها رنگ و بوی تقدس داده و به آنها وعده آمرزش گناهان را می‌داد. جنگ از زمان پاپ لوئی نهم یک پدیدهٔ مقدس به شمار آمد؛ زیرا که از طرف علمای وابسته به پاپ توجیه می‌شد. اما جنگ‌های صلیبی زائیدهٔ نهادهای جنگ و صلح و فکر نظامی‌گری بود و هدفی جز رسیدن به پاداش معنوی شرکت‌کنندگان این جنگ‌ها که سربازان مسیح نامیده می‌شدند نداشت. همهٔ اینها ناشی از تغییر مرحله به مرحلهٔ نگرش کلیسا نسبت به جنگ بود. واقعیت این است که الههٔ جنگ در عصر میانی به میزان قابل توجهی مدیون آگوستین بوده است و برای پاسخگویی به روح صلح‌طلبی مسیحیان اولیه، نویسنده شهر خدا، جنگ را به دو قسمت مشروع یا عادلانه و جنگ غیر عادلانه و نامشروع تقسیم و نوع دوم آن را به شدت محکوم می‌کند. برای جنگ عادلانه نیز سه ویژگی بیان شده است که عبارت‌اند از: سلطهٔ پادشاه، عدالت و حسن نیت. بنابراین، یک مسیحی حق نداشت با انگیزهٔ شخصی، فردی را بکشد و خداوند یا نایب وی بر زمین و پادشاهان در صورت ناگزیر بودن جنگ مسئولیت آن را بر عهده می‌گرفتند. اگر جنگ به خاطر گرفتن انتقام مردمان مظلوم انجام می‌گرفت، بدون توجه به جنبهٔ دفاعی یا هجومی آن، به کار بردن خشونت در طی آن مجاز شمرده می‌شد. حسن نیت بیانگر به کار نگرفتن خشونت برای خشونت، و قتل و غارت نکردن بود. در عوض در این طرح مسئلهٔ بازپس گرفتن زمین‌های اشغال‌شده ذکر شده بود. افکار آگوستینی که هنوز در قوانین قرن یازدهم غریب و ناشناخته بود، به وسیلهٔ «آنسلم» رواج پیدا کرد. وی شروع به

توجیه قانونی نمود که از قتل و کشتار جنگ‌های مشروع ناشی شده بود. در طی قرن یازدهم، جنگ با استناد به جنگ عادلانه مفهومی مقدس گرفت. حتی در زمان کارولنژین‌ها، جنگ با کافران به عنوان وظیفه امپراتور مطرح شده و حتی در سروده‌ها نیز به تمجید از نظامیان خادم دین پرداخته می‌شد. از طرف دیگر کلیسا برای تشویق نهادهای جنگ و صلح برای تشکیل جنگ‌های نظامی علیه افرادی که ضد صلح و آرامش عمل می‌کردند ملزم شد. این همان وعده‌ای بود که به حجاج [مسیحی] داده می‌شد. به این ترتیب، رابطه خاصی میان ایده حج مسیحی و تشویق به شرکت در جنگ و مقاومت در برابر کفار به وجود آمد. بر این اساس، در طی تشکیل مجمع کلرمون ایده جنگ مقدس یک ایده و فکر قابل قبول بود، و به دلیل بیان مسئله غفران و آموزش و توجه به نیروی نظامیان شرکت‌کننده در جنگ‌های شرقی، اوربان دوم حملات محدود ضد مسلمانان را به صورت حج جنگی مسیحیان یا به عبارتی جنگ‌های صلیبی درآورد.

### ۳-۲. آموزش و امید به آخرت

حالت فکری و روان‌شناختی غرب در اواخر قرن یازدهم، تأثیر بسیار زیادی در پیروزی جنگ‌ها داشت. آیا این جنگ‌های صلیبی تأثیر بسیار زیادی بر «موج آخرالزمان‌گرایی» داشته است؟ یا به سخن دیگر، فکر انتظار آخرالزمان قرن یازدهم را به کلی دربر گرفته است؟ الفاندری و دیپرون در اطلاعات به‌دست‌آمده از کتاب‌های تاریخی و علائم آخرالزمان اختلاف ندارند. به طوری که برخی شاخص‌ها را علامت فرارسیدن روز حساب می‌دانند. از جمله: پدیده‌های فوق طبیعی، وجود شهاب‌سنگ‌ها، زلزله‌ها، قحطی و بیماری‌های واگیردار، همه و همه بیانگر نزدیک شدن زمان بازگشت مسیح و آخرالزمان بیان می‌شد. صلیبی‌ها نیز که از سوی پروردگار برگزیده شده بودند، باید قدس را آزاد می‌کردند و زمینه را برای بازگشت دوباره مسیح در نهایت مجد و شکوه فراهم آوردند.

اما باید توجه کرد که آیا این مسئله یک بازتاب ایدئولوژیک و ناشی از مطالعه رویدادها از سوی افراد دین‌مدار و علاقه‌مند به کتاب مقدس نبوده است؟ یا برعکس، این مسئله ناشی از تعبیر و تفسیر روشنفکران از بلندپروازی‌ها و خواسته‌های مردم بوده است؟  
فوشیه به وجود «جو انتظار اخروی» براساس متون مختلف خیالی یا الهی در قرن یازدهم اشاره می‌کند: به این ترتیب که آمدن امپراتور به‌زودی قدس را آزاد کرده و انتقام مسیحیان را از

اسلام می‌گیرد. صلیبی‌ها و نظامیان آنها اکرام و تمجید می‌شوند. همه این فکرها از نوعی انتظار اخروی نشأت می‌گرفت و حتی پاپ که دیگر قادر نبود به امپراتور آلمان به علت دشمنی‌اش، اعتماد کند، این افکار را در جهت خدمت به کلیسا و علمای آن به کار گرفت. پاپ که در جهت رهبری مسیحیان برای خلاص و رهایی فعالیت می‌کرد، در اواخر قرن یازدهم به رهبانیت اصلاح‌گرا روی آورد تا رابطه میان عالم دنیوی و روحانی به‌خوبی حفظ شود. راهبان به افراد عادی مردم (افرادی غیر از عالمان دینی کلیسا) پیشنهاد کردند که برای خلاص و رهایی، از زهد و تقوی آنها تقلید کنند. اگرچه این راهبان از همان نقطه‌ای نشأت گرفته بودند که اشرافیت نظامی به وجود آمده بود، اما از بن‌بست رهایی یافتند، چرا که سعی داشتند با پیشنهاد شکل‌های جدیدی از زهد و تقوا مانند صدقه دادن و حج به جا آوردن، که باعث غفران همه گناهان می‌شد، جنگجویان را از گناهی مثل قتل و تعدی و خشونت مبرا کنند.

براساس آرای مورخ «م. بل»، تفکر صلیبی‌ها از اندیشه راهبان بسیار تأثیر گرفت، به‌طوری که جنگجویان براساس افکار دیر، به جا آوردن حج را وسیله‌ای برای آشتی با خداوند و آمرزش گناهان می‌دانستند.

در این سیر اصلاحی پاپ شرارتی را که صدارت کلیسا را می‌آلود، محکوم کرد و از طرح غفران و آمرزش برای تشویق مسیحیان در جهت رهایی از گناهان و انجام فرمان‌های پروردگار حمایت نمود. همچنین کلیسا روند تکریم فقر را که باعث می‌شد فقرا در فکر رسیدن به خواسته‌های خود و برقراری مساوات و رسیدن به قدس به عنوان سرزمین برادری و برابری باشند در پیش گرفت.

فوشیه بیان می‌کند که پاپ موفق شد خواسته‌های والای بشری را به صورت مجموعه‌ای از قوانین و براساس مساوات و جامعه عدالت‌محور و پاکیزه دسته‌بندی و اعلام کند که قدس دنیایی [زمینی] که مقصد حج غفران و آمرزش است، به‌زودی و در سرزمین آسمانی قدس به جایگاه والایی خواهد رسید.

#### ۴. روابط غرب با شرق

##### ۴-۱. زیارت اماکن مقدس

حج به عنوان «رو کردن به عالم مقدس و رسیدن به عالم والا» یکی از ارکان زندگی دینی محسوب می‌شود. این مسئله اگر مربوط به اماکن مقدس سوریه و فلسطین باشد که مکان

وقوع رویدادهای الهی و آرامگاه مقدس هستند، از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود. در این جریان، نوع و قصد حج چندان مهم نیست. ممکن است هدف آن تقوا و زهد بوده و فرد را با تقدس عالم زندگی مسیح آشنا کند، یا هدف آن تنها علاقه و میل فرد برای رسیدن به سرزمینی است که مظهر روز قیامت باشد. اما در هر صورت زیارت این اماکن مقدس با انگیزه زهد و تقوا حتی ممکن است به مرتبه شهادت نیز برسد. همچنین علاقه به درک آثار مقدس و رسیدن به آنها موجب می‌شود که فرد حاجی و علاقه‌مند به آرامگاه مسیح چنین بیندیشد که همه خطاهای او بدین وسیله بخشیده شده و وی در آن مکان شاهد پیروزی مسیح بر نیروهای شر در آخرالزمان خواهد بود.

از سوی دیگر، حج قبلی که به قصد یافتن هلنای مقدس (که اسطوره یافتن صلیب مقدس در طی زیارت قدس و بیت‌لحم در سال ۳۲۶م به وی نسبت داده می‌شود) از زمان ساخت کلیسای آرامگاه مقدس در قدس و کلیسای مهد در بیت‌لحم، به دست کنستانتین با استقبال بسیاری روبه‌رو شد. فتح این سرزمین به دست اعراب قادر به جلوگیری از ورود حاجیان به این منطقه نشد و این افراد مجبور به خرید گذرنامه و پرداخت هزینه‌های بالا به صاحبان جدید فلسطین بودند. شارلمان بیانیه‌ای در مورد ورود حجاج به قدس اعلام نمود و نمایندگان وی خواستار حمایت از مکان‌های مقدس شدند. در قرن دهم حجاج راه آبی را در پیش گرفتند و با عبور از باری و برندیزی و آملفی رهسپار قسطنطنیه و سپس فلسطین و سرزمین مقدس، از راه مصر می‌شدند. پس از ویران شدن کلیسای آرامگاه مقدس به فرمان الحاکم بأمر الله که از فاطمیان بود، بازیلیوس بازسازی آن را با استفاده از اعانه‌ها و کمک‌های غریبان بر عهده گرفت. سپس گرایش مجارها به دین مسیحی و قیام بیزانس‌ها همراه با بلغارستان، به پیدا شدن راه‌های جدید برای حاجیان منجر شد و اروپای میانی و راه اگناتیوس از دوراتسو برای حاجیانی که در طی قرن یازده تعداد آنها رو به افزایش بود، گشوده شد و تحت تأثیر روحیه هزاره‌گرایی، حجاج برای تحمل سختی در راه مسیح در سرزمین قدس، علاقه‌مند بوده و حرکت و تحمل سختی در راه وی را یک ارزش و فداکاری خالصانه می‌دانستند. در همین زمان بود که نگرش اخروی به شهر مقدس در حال تغییر و تکمیل بود، به طوری که علاقه و میل به آخرالزمان و تحقق حرکت دینی براساس جدایی از دنیا شدت گرفته بود. در همین راستا، حج و زیارت قدس، سفر آخر برای رسیدن به زندگی آخرالزمان محسوب می‌شد. حجاج در جهت تأمین مالی این سفرها اقدام به قراردادهای مشابه در مناطق مختلف می‌کردند. از جمله گرو گذاشتن